

دعوت نشدن به میهمانی خانوادگی خون به پا کرد

1 دی 1403

مردی که به خاطر دعوت نشدن به میهمانی خانوادگی با همسرش درگیر شده و سپس برادرزنش را به قتل رسانده بود، در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

به گزارش مادران و دختران به نقل از «ایران»، یک سال قبل گزارش یک درگیری خانوادگی منجر به قتل به پلیس اعلام شد و بلافاصله مأموران به محل درگیری که خانه‌ای در ورامین بود، رفتند. بررسی‌ها نشان می‌داد مردی 30 ساله در خانه خواهرش به قتل رسیده و به گفته شاهدان عامل قتل شوهر خواهر وی بوده است.

بنابراین متهم دستگیر شد و با اعتراف به قتل و تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه 10 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای این جلسه وحید برادر قربانی به جایگاه رفت و گفت: یک هفته بعد از قتل برادرم، پدرم از غصه دق کرد و مرد. این مرد فقط برادرم را نکشت، پدرم را هم از ما گرفت و به هیچ عنوان حاضر به مصالحه نیستیم و قصاص می‌خواهیم.

سپس همسر متهم به جایگاه رفت و گفت: با اینکه برادرم به قتل رسیده و داغدار شده ام، اما من شکایتی از شوهرم ندارم و او را بخشیدم.

پس از آن شاهدان درگیری به تشریح ماجرا پرداختند.

پسر متهم به عنوان اولین شاهد به قضات گفت: شب قبل از حادثه من و دایی‌ام در خانه مادر بزرگم بودیم. صبح دایی دیگرم با من تماس گرفت و گفت پدر و مادرت با هم درگیر شده‌اند. بعد هم دنبال من آمد و با دایی‌هایم به خانه ما رفتیم البته قبل از رفتن چوب و لوله برداشتند. همان موقع با ۱۱۰ تماس گرفتم و کمک خواستم اما پلیس نیامد. به محض اینکه مقابل خانه رسیدیم، دایی‌ام از ماشین پیاده شد و با چوب شیشه در خانه را شکست و در را باز کرد. من وقتی پشت سر او وارد خانه شدم، پدرم را دیدم که روی زمین افتاده بود. هردو دایی‌هایم به پدرم فحاشی کردند و با چوب به سر و صورتش می‌زدند. پدرم خودش را به آشپزخانه رساند و از داخل کابینت چاقویی برداشت و دایی‌ام را زد.

سپس برادر متهم به جایگاه رفت و گفت: صبح روز حادثه دختر برادرم با من تماس گرفت و در حالی که گریه می‌کرد، گفت پدر و مادرش دعوا کرده‌اند. من به سرعت خودم را به خانه‌شان رساندم تا با میانجیگری به دعوا خاتمه دهم اما برادرهای زن برادرم سر رسیدند و با او درگیر شدند. برادرم هم با چاقوی آشپزخانه یکی از آنها را زد.

دختر متهم نیز اظهارات برادر و عمویش را تأیید کرد.

پس از اظهارات شاهدان، متهم به جایگاه رفت و گفت: من قبول دارم که برادرزنم را به قتل رساندم اما

در دفاع از خودم او را با چاقو زدم. آنها به خانه‌ام حمله کردند و با چوب مرا زدند. هرچه التماس کردم دست از سرم برنداشتند. وقتی چاقو را برداشتم تا آنها را بترسانم نمی‌دانم چه شد چاقو به سینه مقتول خورد. حتی از پسر خواستم او را به بیمارستان برساند.

قاضی پرسید درگیری تان سر چه بود؟

متهم جواب داد: شب قبل متوجه شدم که یکی از بستگان همسرم جشنی گرفته و همه فامیل را دعوت کرده جز من. عصبانی شدم و به همسرم گفتم تو نباید به آن جشن بروی چون آنها با این کار به من توهین کرده‌اند.

صبح وقتی از خواب بلند شدم به طبقه پایین خانه‌مان رفتم که دیدم همسرم به خاطر اینکه گفتم نباید به آن جشن برود، گریه می‌کند. سر این موضوع بحث‌مان شد. وقتی دخترم وارد اتاق شد به من سلام نکرد. من از بی‌احترامی دخترم ناراحت شدم و خواستم یک سیلی به او بزنم که او پشت مادرش پنهان شد و سیلی ناخواسته به صورت همسرم خورد. خودم خیلی ناراحت شدم و به طبقه بالا رفتم اما دخترم با برادرم و دایی‌هایش تماس گرفته و آنها را به خانه ما کشانده بود و بعد هم درگیری شروع شد.

قاضی سؤال کرد: در آن لحظه که چاقو کشیدی برادرزنت به سمت تو حمله کرد؟

متهم گفت: نه او با چوب ضربه سنگینی زد که صورتم متلاشی شده بود.

سپس وکیل متهم به جایگاه رفت و گفت: موکلم هیچ سابقه کیفری در پرونده‌اش ندارد. قربانی و برادرش در خانه متهم را شکسته و به زور وارد خانه‌اش شده بودند. به نظرم متهم در دفاع مشروع دست به قتل زده باشد.

در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.